

پوشاک زن ارمنی در زمان صفویه

لنون میفاسیان

در دنیا هر قوم و ملت برای خود و طبعاً برای زنان و مردانش پوشاک مخصوص دارد. مسلماً ارمنه هم مثل اقوام دیگر برای زنان پوشاک و لباس مخصوص خود را داشته و دارند. ارمنیان ایران که به دست شاه عباس صفوی به ایران کوچانده شدند در قرن هفدهم میلادی همان لباس‌های محلی خود را داشتند که مختصری از آن را در اینجا شرح می‌دهیم. ارمنیان که به ایران و اصفهان آورده شدند از شهرها و آبادیهای مختلف ارمنستان بودند، از این لحاظ هم پوشاک مختلفی داشتند که عبارت‌اند از جلفا، فریدن، چهارمحال، بربروت و غیره.

تفاوت‌های البسه و پوشاک جزئی ولی شرح مخصوص خود را دارد، اما یک نکته که قابل ذکر است آن است که زنان همه سرپوش داشتند و حتی دهانشان را هم می‌بستند و با بزرگان و سالمندان خانواده داماد صحبت نمی‌کردند و پیش آنها غذا نمی‌خوردند و نمی‌نشستند.





لباسهای آنها عموماً بلند بود و چند نوع داشت که هم روپوش بود هم زیرپوش، از جمله روپوش‌ها ارخالوق (Arkhaloogh) چوپیک (Choochek) و گرگنتس (Gognots) بود. بر سرشان یک دستمال بزرگ می‌بستند که آن را لاهیگ (Lachig) می‌گفتند. تا دختر شوهر نکرده بود پوشاک وی پارچه گلدار و زیبا بود و دهانش را نمی‌بست. ولی عروس که می‌شد از یک سرپوش قرمز رنگ استفاده می‌کرد و با یک دستمال سفید دهانش را می‌بست که آن را یاشماق (Yashmagh) می‌گفتند.

دختر وقتی عروس می‌شد روی دو طرف صورتش نزدیک گوش‌ها یک زینت نقره‌ای می‌آویخت که دو نوع داشت با حلقه و یا گره تزئین شده که آنها را گلدرو (Gldruo) و ارتسنوتس (Eretsnots) می‌گفتند. بر روی پیشبند چند ردیف پول نقره‌ای می‌دوختند و پایین پیشبند را با نگاره‌های گل به صورت سوزن‌دوزی زینت می‌دادند.

دختران، روی سرشان یک کلاه پارچه‌ای که گلدوزی شده بود می‌گذاشتند، ولی وقتی عروس می‌شدند یک حلقه پارچه‌ای بر سر می‌گذاشتند که آن را گود (Got) می‌گفتند و روی آن را با یک دستمال ابریشمی گلدار و قشنگ می‌بستند. بالای پیشانی هم یک ردیف سکه می‌بستند که آن را تاخدادن (Takhdads) می‌گفتند و روی سینه یک زینت نقره‌ای می‌بستند که آن را آشم (Ashm) می‌گفتند.

همان‌طور که گفته شد لباس‌های دختر، عروس و زنان مسن با هم تفاوتی داشت و رفتار آنها بعد از عروس شدن با بزرگان شوهر تفاوت پیدا می‌کرد و دهانشان را می‌بستند و با همه کس آزادانه صحبت نمی‌کردند. دختر وقتی نامزد می‌شد با همان سرپوش دهانش را کمی می‌بست و از دستمال مخصوص استفاده نمی‌کرد و عموماً لباسهای گلدار و قرمز و قشنگ می‌پوشید. ولی وقتی عروس می‌شد لباسهای کمی عوض می‌شد و هنگامی که به پیری می‌رسید، لباس‌های تیره یا سرمه‌ای و نظیر آن را می‌پوشید.

اعضای خانواده نسبت به هم اسم‌های مخصوص داشتند که بعد از ازدواج به آنها تعلق می‌گرفت. مثلاً دختر ازدواج کرده را هارس (Hars) یعنی عروس می‌گفتند، مادرشوهر را کسور (Kesour) می‌گفتند، پدرشوهر را کسرایر (Keseirer) می‌گفتند. جوان ازدواج کرده را پسا (Pesa) می‌گفتند. دو فامیل عروس و داماد به همدیگر خنامی (Khenamy) می‌گفتند و حالا هم می‌گویند.

در اینجا باید یادآور شد که براساس آیین ارمنه ارتدکس برای ازدواج دختر و پسر باید





حتماً توجه داشت که آنها از همدیگر هفت نسل دور باشند و هیچ‌گونه خویشاوندی با هم نداشته باشند. در موقع ازدواج مهریه وجود ندارد، طلاق وجود ندارد و مرد دو زن و یا زن موقت نمی‌تواند داشته باشد. بعد از فوت یکی از زوجین شخص می‌تواند دوباره ازدواج کند. همان‌طور که قبلاً ذکر شد پوشش‌های هر محل چندین نوع و اسامی مخصوص خود را دارند که توضیح آنها در اینجا ممکن نیست و فکر می‌کنم زیاد هم لازم نباشد چون که نه خریدار هستیم و نه فروشنده، بنابراین به این توضیحات مختصر هم اکتفا می‌کنیم.

رسم قدیم تا اوایل قرن بیستم میلادی ادامه داشته است، ولی کم‌کم تغییر پیدا کرده و به رسم اروپاییان در آمده است که حالا با همه کس می‌توانند صحبت کنند، غذا بخورند و غیره. لباسهای قدیم را هم شاید حالا فقط در فریدن بتوان پیدا کرد که چند آبادی ارمنی‌نشین در آنجا وجود دارد، ولی وقتی به شهر می‌آیند پوشش‌ها را عوض می‌کنند. در اینجا جالب است بگویم که سال قبل در روزنامه آلیک یک عکس از زن روستایی از فریدن که نزدیک یک در مانگاه مربوط به ارامنه در تهران ایستاده بود چاپ کرده بود و نوشته بود «عکس روز» بسیار جالب بود. زن روستایی با لباس قدیم در تهران پایتخت ایران. زنان کفش‌های مخصوص خود را هم داشتند که آن را ماشیک (Mashik) می‌گفتند که پاشنه نداشت و مثل کفش دمپایی بود، از جنس چرم انتخاب می‌شد و نوک تیز و برگشته‌ای داشت. در تاسیستان هم کفش سبک‌تر می‌پوشیدند که آن را سور (sor) می‌گفتند که روی آن را با نخ پنبه‌ای قلاب‌دوزی می‌کردند. درباره پوشاک زن ارمنی مربوط به ارامنه فریدن در کتاب تاریخ ارامنه فریدن تألیف اینجانپ (لبنان ۱۹۷۱ - ۱۳۵۰، ص ۲۸۰ - ۲۷۶) مفصلاً شرح داده شده و اسامی آنها را هم یک یک آمده است. امید است با این چند سطر کوتاه هم بتوان از نوع و چگونگی آنها مطلع شد.